

## مطالعه عوامل کالبدی - محیطی مؤثر بر ترس از قربانی شدن؛ مورد مطالعه:

### شهر اردبیل

طاها عشایری، اسماعیل حسنونند، الهام عباسی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

از صفحه ۲۹ تا ۶۰

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی

سال دهم، شماره سی و نهم، پاییز ۱۴۰۱

#### چکیده

ترس از قربانی شدن؛ در شهر اردبیل به دلیل افزایش جرائم اجتماعی (سرقت، نزاع جمعی-خیابانی، بزهکاری، زباله گردان، متکدی، خرده فرهنگ‌های قانون گریز و خشونت طلب شهری) در حال افزایش است، هدف اصلی تحقیق مطالعه ارتباط ساختار کالبدی-محیطی با ترس از قربانی شدن با تکیه بر نظریه پنجره شکسته است. روش تحقیق از نوع پیمایش کمی و ابزار آن پرسشنامه بوده است. حجم نمونه از طریق «سمپل پاور» (تعیین حجم نمونه با استفاده از متغیرهای مستقل) به تعداد (۲۷۸) نفر برآورده و به روش خوشه‌ای تصادفی طبقه‌ای در مناطق شهری توزیع شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین عوامل کالبدی-محیطی (بین بی نظمی فیزیکی = ۰,۳۴۵، بی ثباتی سکونتی = ۰,۴۳۱، کاهش نظارت غیررسمی = ۰,۳۷۱، ساختار ناهمگون محلی = ۰,۲۶۱، تجربه قربانی شدن = ۰,۱۲۳، تعلق مکانی-محیطی = ۰,۴۰۸، بی سازمانی اجتماعی = ۰,۲۷۸) با ترس از قربانی شدن رابطه معنی داری وجود داشته است.

**کلیدواژه‌ها:** عوامل کالبدی-محیطی، ترس از قربانی شدن، تعلق محیطی، پنجره شکسته، شهر اردبیل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- استادیار گروه تاریخ و جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲- عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،  
esmail.hasavand@gmail.com

۳- هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. elham@pnu.ac.ir

ترس از قربانی شدن در بین شهروندان جامعه از موضوعات مهم در مطالعات جرم‌شناسی و جامعه‌شناختی انحرافات بوده و از اهمیت بسزایی در جوامع برخوردار است؛ زیرا ترس از قربانی شدن با به چالش کشیدن امنیت همه کشورها، حتی بر زندگی خصوصی افراد تأثیر می‌گذارد تا جایی که احساس بی‌اعتمادی و آسیب‌پذیری در افراد را تشدید کرده و اجتماعات را تجزیه می‌کند (پوپل و سیدزاده، ۱۴۰۰). ترس از قربانی شدن، مسئله اجتماعی است که در گذار از دوران سنتی به مدرنیته، اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است. گرچه به لحاظ تاریخی در گذشته، احساس امنیت با همین منظور در سازمان و نهادها، بررسی می‌شد، اما گذر تاریخی پژوهش‌ها و اهمیت یافتن نگرانی اجتماعی، تهدید و قربانی شدن و پیامدهای ناشی از آن، باعث شد که واژه ترس از قربانی شدن یا قربانی شدن به مفهومی مستقل و قابل‌اتکا نظری-تجربی در پژوهش‌ها تبدیل شود. علوم انسانی، از آغاز شکل‌گیری خود درصدد تکمیل و پویایی بوده است و این امر با استقلال مفهومی ترس از قربانی شدن و قطب اصلی پژوهش‌های شهری-انتظامی شدن، نیز قابل‌مشاهده است. شکل‌گیری «مکتب شیکاگو» (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳)، سرآغازی بر مهم جلوه دادن ترس از قربانی شدن و احساس امنیت ساکنان شد. شهر شیکاگو در سال (۱۸۳۰) از یک روستایی چند ده خانواری (۳۵۰ نفری) در سال (۱۸۳۳) به‌صورت یک شهر درآمد. در سال (۱۸۵۰) و (۱۸۷۰) جمعیت این شهر به ترتیب به (۳۰) هزار و (۳۰۰) هزار نفر رسید. در دهه هشت قرن نوزدهم مقام دومین شهر آمریکا را از فیلادلفیا ربود و در سال (۱۹۰۰) جمعیتی بالغ‌پر (۱۷۰۰۰۰۰) نفر را در خود جای داد. این شهر در سال (۱۹۲۰) (اوج مکتب شیکاگو) به یک کلان‌شهر سه‌میلیون‌نفری تبدیل شد و در سال (۱۹۵۰ و ۱۹۶۰) جمعیتی (۳۶۲۰۹۶۲) نفر و (۳۵۵۰۴۰۳) نفر را اسکان داد («آیدین»، ۲۰۰۶، ص ۲۵).

۱ Chicago school.

۲ Aydin.

◇ انگیزه‌های اصلی اجتماعی توجیه‌کننده این مکتب رشد سرسام‌آور جمعیت شهری، ورود مهاجرین، ناهمگنی جمعیت، جدایی‌گزینی اجتماعی و در کل معضلات روزافزون اجتماعی در شهرها بود که صاحب‌نظرانی از جمله «دبلیو. ای. تامس»<sup>۱</sup>، «رابرتمید»<sup>۲</sup>، «ارنست برگس»<sup>۳</sup>، «رابرت ازرا پارک»<sup>۴</sup> و «ویلیام اف آگبرن»<sup>۵</sup> (مولر-ولمر، ۱۹۹۸) را به سمت واکاوی ترس از قربانی شدن و ناامنی سوق داد. در حقیقت خشونت حاکم بر مناسبات فردی به صورت رقابت فردی و اجتماعی بروز یافت و توسعه اشکال دفاع از خود در قالب همبستگی و مناسبات قومی، نژادی و خویشاوندی و تعلقات فرهنگی؛ این دو روند اجتماعی متناقض در قالب الگوهای دینامیک متفاوت همراه با اشغال زمین شدت یافتند تا مبنایی برای شکل‌دهی به دیدگاه‌های مکتب شیکاگو محسوب شوند (سواج و وود، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵).

بسترهای شکل‌گیری سنخ فکری این صاحب‌نظران، نگرانی‌هایی از جمله خشونت خرده‌فرهنگ‌ها، تعارض مهاجران، مشاهده قتل، اختلافات و ناسازگاری خانوادگی و رفتارهای خشونت‌باری بود که در شهر شیکاگو، مشاهده و تجربه می‌شد. ترس از قربانی شدن، در مکتب شیکاگو، به مثابه مسئله اصلی، مطرح و جامعه‌شناسان کلاسیک شهری را به تفکری عمیق واداشت. نظریه بی‌سازمانی اجتماعی همراه با رویکرد بوم‌شناسی شهری، ترس از قربانی شدن را ناشی از فرسایش نظارت اجتماعی، فقدان مشارکت اجتماعی، افول اعتماد و علقه‌های عاطفی می‌داند. این نظریه بر رابطه بین ساختار روابط همسایگی، کنترل اجتماعی و جرم توجه دارد. بی‌سازمانی اجتماعی به ناتوانی اجتماع در فهم و درک اهداف عمومی و حل مشکلات عمومی و به ناتوانی در حفظ کنترل اجتماعی مؤثر اشاره دارد (عباسی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶). «نظریه پنجره شکسته»<sup>۶</sup> رویکرد نوینی از نظریه بی‌سازمانی اجتماعی در حوزه

<sup>۱</sup> W. I. Thomas.

<sup>۲</sup> Robert Mead.

<sup>۳</sup> E. W. Burgess.

<sup>۴</sup> Robert E. Park.

<sup>۵</sup> William F. Ogburn.

<sup>۶</sup> Broken windows.

بوم‌شناسی شهری است که نشان‌دهنده میزان اختلال شهری، خرابکاری و اثرگذاری آن بر افزایش جرم و رفتارهای ضداجتماعی است. نظارت بر محیط اجتماع و کاهش بی‌نظمی فیزیکی، از شدت یافتن ترس از قربانی شدن جلوگیری می‌کند (دیلینی، ۱۳۹۰، ص ۷۶). بر این اساس، بی‌توجهی به اخلاق در نظم عمومی و اعمال تخریبی چون نوشتن و کشیدن اشکال روی دیوارها، ریختن زباله، تخریب اموال عمومی، نوشیدن مشروبات الکلی در انظار عمومی، گدایی و ولگردی حاکی از عدم توجه به فضای شهری بوده که زمینه را برای جرائم مهم‌تر فراهم می‌کند. آمارها و گزارش‌های رسمی از شهر اردبیل، حاکی از وقوع جرائم خشنی از جمله نزاع و درگیری، قتل، سرقت، کیف‌قاپی و زورگیری در سطح نسبتاً بالایی است. وجود محلات و شهرک‌های به‌دوراز نظاره و مناطق حاشیه‌نشین مملو از مهاجران، متکدیان و افراد طردشده از بدنه اجتماع، ترس از قربانی ساکنان را افزایش داده است. نظریه پنجره شکسته، چاقوکشی، رفتار وندالیسم، خشونت شهری-خیابانی، مصرف مشروبات الکلی و خریدوفروش موادمخدر و اعتیادآور را یکی از نشانه‌های بی‌نظمی و آشفتگی اجتماعی می‌داند که بسترهای اصلی ترس از قربانی شدن را شکل می‌دهند. قربانی شدن و ترس از خطر تهدید از سوی خرده‌فرهنگ، اراذل و اوباش، سارقان و ولگردانی که در سطح شهر، محلات، پارک‌ها و مکان‌های خاص خود پرسه می‌زنند، باعث از بین حس اعتماد عمومی، سرمایه اجتماعی و ناهمگونی جمعیتی می‌شود. در این حالت، ساکنان به دنبال مکان‌های امن و فارغ از تهدید محیطی مهاجرت می‌کنند و جای آن‌ها را افراد و مهاجرانی پر می‌کند که جوایب سکونت هستند. نوعی از انتقال جمعیتی که نه تنها به افزایش نظم محیطی کمک نمی‌کند؛ بلکه خود باز تولید کننده بی‌نظمی به دلیل کاهش تعلق اجتماعی و بی‌ثباتی سکونتی است. در این فرآیند میزان احساس امنیت اجتماعی کاهش یافته و خطر قربانی شدن نیز افزایش می‌یابد. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش عبارت است از:

✓ مطالعه عوامل کالبدی- محیطی مؤثر بر ترس از قربانی شدن؛

✓ ارائه راهکارهای کالبدی- محیطی کاهش ترس از قربانی شدن.

ترس از قربانی شدن، در جامعه ایرانی تبدیل به یک مسئله اجتماعی شده، به طوری که دهه (۸۰ و ۹۰)، اکثر پژوهش‌های حقوقی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، به تحقیق قربانی شدن، ترس از قربانی شدن، احساس ناامنی اجتماعی پرداختند، نشان می‌دهد که پدیده‌ای نوپا و مورد توجه در ادبیات دانشگاهی و سازمانی در حوزه پژوهشی (مقاله، رساله ارشد و دکتری) و طرح‌های کاربردی سازمانی است. به صورت مستقل درباره عوامل کالبدی- محیطی ترس از قربانی شدن پژوهشی اجرائشده، اما در ادامه پژوهش‌های داخلی که در بین سایر متغیرها، عوامل کالبدی- محیطی را مورد توجه قرار دادند، اشاره شده است.

در این زمینه نتایج پژوهشی «المیر» (۱۳۹۲)، نشان می‌دهد که همراه با رشد زندگی شهری، افزایش جرائم، وقوع جرائم جدید و متعاقب این موارد، احساس ترس از جرم (ترس از قربانی شدن) در روابط اجتماعی پدید می‌آید. دو پیامد این احساس کاهش اعتماد اجتماعی و کاهش شعاع ارتباطات و پیوندهای اجتماعی است. به تبع این دو پیامد، کاهش مشارکت و همیاری‌های اجتماعی به عنوان عناصر تشکیل‌دهنده و مقوم سرمایه اجتماعی قابل انتظار است. در نتیجه کاهش تعلق اجتماعی، بی‌نظمی فیزیکی و ساختار محیطی- اجتماعی به افزایش ترس و هراس از جرم منجر شده است. «ملکی و همکاران» (۱۳۹۵)، در پژوهش‌های خود به این رسیدند که سرمایه اجتماعی (اعتماد، انسجام و مشارکت) در محیط و بی‌سازمانی اجتماعی به افزایش خطر قربانی شدن و ترس از قربانی شدن انجامیده و در میان میزان ترس شهروندان در مباحث مالی- اقتصادی نسبتاً بالاست که نشانگر تهدیدهای محیطی از جمله سرقت، ولگردی، کیف‌قاپی و خرده‌فرهنگ‌های بوده که شرایط محیط را ناامن کرده است. «کاوپانی‌پور و قهرمانی» (۱۳۹۵)، به شایع بودن ترس از قربانی شدن در عصر امروزی اشاره کرده است. ترس از قربانی شدن تابعی از بی‌سازمانی اجتماعی، کنترل اجتماعی (رسمی و غیررسمی)، پیوندهای محله‌ای (سرمایه محیطی) و سرمایه اجتماعی محیطی است. در سال (۱۴۰۰)، پژوهشی توسط «عینی‌فر و

همکاران» (۱۴۰۰)، با عنوان «تأثیر محدوده کلبدی مجموعه‌های مسکونی بر ترس از قربانی شدن ساکنان در شهرک اکباتان» صورت گرفته است. این پژوهش نشان داد که میزان ترس از قربانی شدن ساکنان مجموعه‌های مسکونی محصور و غیرمحصور تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند؛ اما وضعیت در مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین متفاوت است و ترس از قربانی شدن کمتری در آن‌ها وجود دارد. مجموعه‌های مسکونی محصور نمادین از طریق ایجاد حس محدوده، همراه با مشارکت فعالانه ساکنان در حفاظت از قلمرو، اساسی‌ترین راه مقابله با جرم و جنایت هستند. به‌زعم «براری و همکاران» (۱۴۰۰)، ترس یکی از نام‌آشنا‌ترین واژه‌هایی است که هر فردی به‌طور غریزی از بدو تولد تا زمان مرگ، آن را به هر شکلی تجربه می‌کند. در این پژوهش رسانه‌های جمعی، کنترل غیررسمی، بی‌نظمی فیزیکی-اجتماعی، تجربه قربانی شدن و تعلق محیطی در ترس از قربانی شدن اثر معنی‌داری داشته است. «پوپل و سیدزاده» (۱۴۰۰)، در پژوهش‌های خود در شهر کابل نشان دادند که بی‌سازمانی اجتماعی، تجربه قربانی شدن، سرمایه اجتماعی، نظارت اجتماعی و دل‌بستگی محیطی در ترس از قربانی شدن تأثیر داشته است. پژوهش‌های «مرادی و همکاران» (۱۳۹۸)، نشان می‌دهد که ترس از قربانی شدن در دو بعد اعمال و اشخاص شامل ترس از حمله فیزیکی (۳۵/۵)، ترس از توهین (۵۷)، ترس از سرقت وسایل (۴۴/۵)، ترس از کلاهبرداری (۵۶/۷) و ترس از جیب‌بری (۵۹/۴) بین سالمندان وجود دارد و سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و انسجام) و سرمایه فرهنگی در ترس از قربانی شدن تأثیر داشته است. «صرافی و همکاران» (۱۳۹۸) به این نتیجه رسیدند که ترس از قربانی شدن پدیده‌ای پیچیده، غیرملموس و چندلایه است که وجود و تداوم آن می‌تواند در تجربه‌های جابه‌جایی افراد سبب محرومیت فضایی و به‌تبع آن محرومیت اجتماعی گسترده برای گروه‌های آسیب‌پذیر در دستیابی به امکانات و فرصت‌های ارائه‌شده در شهر شود. در این میان، (۹۵) درصد پاسخ‌دهندگان پس از تاریکی، هنگام جابه‌جایی احساس ترس می‌کنند که میزان این ترس در (۵۲) درصد آن‌ها فراتر از حد متوسط و در میان زنان جوان مجرد بیش از سایر

گروه‌هاست. بیشترین میزان ترس در انواع الگوهای جابه‌جایی متعلق به جابه‌جایی افراد پیاده در مقایسه با سواره و موتوری، حمل‌ونقل همگانی در مقایسه با حمل‌ونقل خصوصی، سفر مستقل در مقایسه با سفرهای مشایعت‌شده و مراجعه به مقصد از پیش ناشناخته است. «کروبی» (۱۳۹۸) در یافته‌های خود به این رسید که میان سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل، کشور مبدأ و میزان وفاداری به مقصد گردشگران و از سوی دیگر میان ترس از قربانی شدن و بی‌نظمی محله‌ای و میزان وفاداری گردشگران خارجی به مقصد (گرایش به اقامت مجدد در بافت تاریخی) شهر شیراز رابطه وجود داشت. «استمرادی و جم‌نژاد» (۱۳۹۶) به این رسیدند که سن، جنسیت، تأهل و سطح تحصیلات، تفاوت‌های معناداری در وضعیت ترس از قربانی شدن داشتند. به این صورت که با افزایش سن، ترس از قربانی شدن افزایش می‌یافت. با افزایش تحصیلات، ترس از قربانی شدن کمتر می‌شد و یافته‌های استنباطی تحقیق نشان داد، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از متغیرهای مستقل پژوهش به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر ترس از قربانی شدن تأثیر داشت. هرچند اثر غیرمستقیم آن بر ترس از قربانی شدن بیشتر بود.

### مبانی نظری

**ترس از قربانی شدن:** ترس از قربانی شدن به هراس، نگرانی، استرس، دلهره، اضطراب و ترس واقعی افراد از جرائم، خطرات محیطی، تهدیدهای محیطی و ناامنی موجود می‌گویند که فرد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم آن را تجربه کرده است.

**بی‌نظمی فیزیکی:** علائم بی‌نظمی فیزیکی عبارت از وجود زباله در خیابان‌ها، ساختمان‌های متروکه، خرابکاری، دیوارنوشته‌ها و خیابان‌هایی با سیستم روشنایی ضعیف هستند. مردم معمولاً این ویژگی‌های فیزیکی یک محله را با وقوع جرم مرتبط می‌دانند. ریختن زباله و خرابکاری جزء جرائم کوچک طبقه‌بندی می‌شوند و محله برای کنترل حتی جزئی‌ترین فعالیت‌های مجرمانه ناتوان می‌شود. اگر ساکنان منطقه برای کاهش یا توقف تخریب و

ریختن زباله در انجام اقدامات گروهی ناکارآمد باشند، در انجام اقدامات گروهی به منظور پیشگیری از جرائم جدی تر نیز فاقد توانایی خواهند بود (فیشر و پی. لب، ۱۳۹۵، ص ۲۲۲).

**بی ثباتی سکونتی:** بی ثباتی سکونتی مسئله‌ای مکانی-زمانی؛ به معنای فرآیند تصمیم‌گیری برای جابجایی است. در این حالت تعداد دفعات تحرک مسکونی در یک خانواده یا افراد زیاد بوده و در فاصله بسیار کوتاهی رخ می‌دهد. بی ثباتی سکونتی به طول مدت اقامت کم در یک محله و منطقه اقامتی اشاره دارد که به دلیل ناامنی، بافت مناسب، خدمات کم و کاربری ضعیف یا ساختار فرهنگی نامناسب رخ می‌دهد. این امر باعث کاهش شبکه‌های اجتماعی، انسجام ضعیف و پایین آمدن کنترل اجتماعی غیررسمی و رسمی می‌شود. با افزایش میزان جرم، بزهکاری، تمایل به بی ثباتی و جایگزینی خانواده و گروه جدید بیشتر می‌شود (اسدی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۸۱).

**نظارت غیررسمی:** نظارت غیررسمی عبارت از واکنش‌های افراد و گروه‌ها که موجب هم‌نوایی یا هنجار و قوانین می‌شود. این واکنش‌ها به شیوه‌های مختلفی مانند فشار اجتماع و دوستان، مداخله ناظران در جرم و پاسخ‌های جمعی مانند تشکیل گروه‌های گشت شهروندی بر می‌گردد. نظارت اجتماعی به وسیله مخلوطی از تمکین، جبر و تعهد در برابر ارزش‌های اجتماعی تحقق می‌یابد. «پارسونز»، نظارت اجتماعی را فردگرایی تعریف می‌کند که به وسیله آن، از طریق وضع احکام با رفتارهای منحرف مقابله می‌شود و ثبات اجتماعی حفظ می‌شود. نظارت غیررسمی، گونه‌ای مکانیسم نظارتی است که در برابر نظارت رسمی و قانونی قرار می‌گیرد و ضمانت اجرایی آن توسط ارزش‌های اجتماعی، پیوندهای محله‌ای، همسایگان، احساس شرم و سرزنش توسط محیط اطراف شکل می‌گیرد (سلیمی و داوری، ۱۳۹۰، ص ۶۵۸).

**ساختار ناهمگون محلی:** محله‌هایی که به لحاظ نژادی ناهمگن هستند، ممکن است ترس از جرم و جنایت را افزایش دهند، اگر افراد در محله‌های متنوع و ناهمگونی نژادی زندگی می‌کنند، بیشتر از همسایگان خود خواهند ترسید (بارسیک و گرسمیک، ۱۹۹۳). ساختار ناهمگن حضور گروه‌های متفاوت



حاستگاه سبک زندگی، سلیقه و دانه متفاوت نوعی بی‌نظمی و ناامنی در بین ساکنان اجتماع، تولید می‌کند. وقتی افراد روابط نزدیکی با همسایگان خود ندارند، ممکن است بیشتر از دیگران (مانند افرادی که از لحاظ قومی، فرهنگی یا نژادی متفاوت از خودشان هستند) ترسناک می‌شوند (لن و کزلین، ۲۰۱۱).

**تجربه قربانی شدن:** تجربه با مواجهه به مفهوم تجربه قربانی شدن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم است. به این معنی که افرادی که جرم را به طور مستقیم تجربه کرده‌اند، بیش از آن‌هایی که جرم را غیرمستقیم تجربه کرده‌اند، دچار ترس می‌شوند. همچنین افراد قربانی شده (مستقیم یا غیرمستقیم) بیشتر از افراد غیرقربانی، از جرم می‌ترسند؛ یعنی مواجهه شخص با جرم باعث افزایش ترس از جرم می‌شود. مواجهه با جرم در حالت مستقیم بر خود فرد حادث می‌شود و در حالت غیرمستقیم به وسیله رسانه همگامی یا شنیدن تجربه مواجهه با جرم از طریق ارتباط با اعضای خانواده، فامیل، همسایه و سایرین، رخ می‌دهد.

**تعلق مکانی-محیطی:** تعلق به مکان بر پایه حس مکان بوده و نشانگر پیوند فرد با مکان زندگی است و انسان خود را جزئی از آن می‌داند. این حس تعلق باعث ایجاد امنیت، لذت، آرامش و هویت جمعی شده و به کاهش ترس از قربانی شدن کمک می‌کند (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۶۹). مدت اقامت-خانه، اقامت‌گاه والدین و دل‌بستگی محله از حوزه‌های احساس اجتماعی و از دلایل مهم انسجام اجتماعی است. دل‌بستگی محله همراه با تولید روابط اجتماعی و عاطفی بین همسایگان است. این پیوند به مردم احساس رضایت، احساس امنیت و قدرت داده و ترس از قربانی شدن را کاهش می‌دهد (اسدی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۸۴).

**بی‌سازمانی اجتماعی:** بی‌سازمانی اجتماعی به معنای بی‌نظمی، بی‌سامانی و به هم‌ریختگی است. به هر میزان افراد بیشتر در مکان‌های خطرناک حضور داشته باشند، به همان میزان خطر قربانی جرم و خشونت نیز افزایش می‌یابد. مکان‌های انحرافی، فقیر، با تراکم جمعیتی ناهمگون نژادی و فرهنگی،

دارای بی‌نظمی فیزیکی و اجتماعی، بسترهای ترس از قربانی شدن را فراهم می‌کند (پروین و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۲۶).

نظریه پنجره شکسته: نظریه پنجره شکسته در (۱۹۶۹) به وسیله «فیلیپ زینباردو» مطرح شد. وی با انجام یک مقایسه موردی با رهاکردن خودرو در محله ثروتمند و فقیر (رهاشده) به این نتیجه رسید که رهاکردن محیط، عدم تعمیر نهادهای مخروبه و خرابه، خود مشوق تجمع بزهکاران است (صولتی فر و جعفری، ۱۳۹۵). نظریه پنجره شکسته، در سال (۱۹۸۲) از طریق دو فرد بنام آقای «جورج کلینک»<sup>۱</sup> (قاضی) و «جیمز ویلسون»<sup>۲</sup> (وکیل) مطرح شد. پرسش مهم این نظریه آن است که چه اتفاقی در جامعه رخ می‌دهد که جرم شکل می‌گیرد؟ و اینکه چرا در هر شهری یک محله‌ای است که بیشتر مجرمان، اراذل و خرابکاران در آنجا تردد می‌کنند و مواد مخدر، جرم، سرقت و ناامنی از آن محله به جاهای دیگر سرایت می‌کند. این جرائم ناشی از اختلال اجتماعی است، اگر بسترهای اختلال و بی‌سازمانی اجتماعی را از بین برود، جرائم جدی نیز رخ نمی‌دهد. خرابی یک ساختمان، باعث خرابی ساختمان‌های بعدی شده و این امر به محلات و خیابان‌های بعدی نیز سرایت می‌کند. این اختلال و جرائم ایجاد شده، باعث ترس و هراس اجتماعی شهروندان از ناامنی موجود می‌شود. عقب‌نشینی شهروندان از محیط، به کاهش و تخریب نظام کنترلی اجتماعی می‌انجامد. بی‌نظمی اولیه باعث جرم و جرم باعث بی‌نظمی و جرم‌های بعدی نیز می‌شود. در اثر این اتفاق، شهروندان و ساکنان محیط آنجا را ترک گفته و به مکان‌های امن سفر می‌کنند. راهکار این نظریه، تعمیر، ترمیم و اصلاح پنجره‌های شکسته است و اجازه ندهیم شیشه شکسته‌ای باقی بماند؛ پس اولین گام شناسایی منابع و مکان‌های شکسته و اختلالی و ترمیم آن‌هاست. محیط‌های رها، محله‌های گذرگاهی (دادخدایی، ۱۳۸۸، ص ۴۴)، ساختمان‌های نیمه‌کاره و فضای عمومی که به حال خود رها شده‌اند و محل تجمع پسماندهای شهری هستند، منابع اصلی برای ترس از قربانی شدن

<sup>۱</sup> George L.Kelling.

<sup>۲</sup> Games Q.wilson.

محسوب می‌شوند، در این فضا، انسان‌های متمدن، دارای حلیات سالم و بهنجار سکونت نمی‌کنند و به‌زودی آنجا را ترک می‌گویند، مکانی انباشته از کج‌رفتاری، هراس و جرائمی است که گشت‌های پلیس را شبانه و روزانه به‌سوی خود دعوت می‌کند. دادگاه و کلانتری، انباشته از پرونده‌های سرقت، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی است. مردم نه‌تنها از جرم هراس دارند، بلکه در مورد اختلال و بی‌نظمی نیز دچار یک نوع ترس و وحشت هستند. اختلال می‌تواند هم به شکل افراد مخل مانند گروه‌های غیرقابل‌پیش‌بینی فاحشه، گداها، معتادها و نوجوانان جنجالی، تنبل‌ها و بیماران روانی بوده و هم می‌تواند به شکل شرایط فیزیکی مخل نظم مانند اموال متروکه، پنجره‌های شکسته، آشغال و مناطق عمومی خراب ویران باشد (مالمیر، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱). در محله‌هایی که وقوع جرم در سطح بالایی قرار دارد، ساکنانی که از عهده چنین کاری برمی‌آیند، جا می‌گذارند و می‌روند، صاحبان ملک و ثروت موفق نخواهند بود تا خانه و اموال تجاری خود را آن‌گونه که باید حفظ کنند و یک سیر مارپیچی نزولی به لحاظ جمعیتی محله را فرامی‌گیرد. پس علت اصلی ظهور ترس از قربانی شدن، بی‌تفاوتی مدنی در بین شهروندان ناشی از افزایش عدم تعمیر پنجره‌های شکسته، معابر تاریک و ساختمان‌های نیمه‌کاره و مخروبه است. با زوال فیزیکی، مهاجرت ساکنان و غیبت پیوندهای عاطفی-محلی، شهروندان نسبت به وقایع اجتماعی و جرائم احساس بی‌تفاوتی می‌کنند که ظهور ترس از قربانی شدن را ایجاد می‌کند و به‌صورت فردی از امنیت خود دفاع می‌کنند. در اثر این فردگرایی، آنومی اجتماعی شایع می‌شود و امکان کنترل اجتماعی از بین رفته و محیط مملو از بزه، جرائم خشن و عوامل تهدید آفرین می‌شود. جامعه‌ای با این شرایط اجتماعی، در مکتب شیکاگو به منطقه گذار اجتماعی شهرت دارد. به‌زعم «شاو و مکی»؛ منطقه گذار با زوال فیزیکی، خانه‌های ضعیف، خانواده‌های ناقص و درهم‌شکسته و جمعیت ناپایدار و ناهمگن مشخص می‌شود. تمام این شکل‌های انحراف و بی‌قانونی، پیامد بی‌سازمانی اجتماعی هستند («سلرز و آکرز»؛ ۱۳۹۰، ص ۱۱۷). رویکرد

۱ shaw & Mc Kay.

۲ Selers & Ukerse.

پنجره شکسته با مفهوم ناامنی و ترس از قربانی شدن پیوندی عمیق داشته و بر این باور است که اگر به مناطق فراموش شده و آشفته توجهی نشود، کنترل جامعه از دست خواهد رفت و محلات مذکور نسبت به جرم آسیب پذیر خواهند شد (جوان جعفری و سیدزاده ثانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸). علامت بی نظمی به خرده فرهنگ های تبهکار، نشانی از اجتماع تکه پاره است («برون»<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۳). احساس ناامنی در محله، تنها به دلیل جرائم خشونت آمیز نیست، بلکه نابهنجاری ها و رفتارهای اخلاک گرانه چون اعتیاد، ولگردی و تکدی گری، عامل اصلی احساس ناامنی عمومی بوده و همچنین بستر جرائم را فراهم می کنند. همان طور که اگر پنجره ای از ساختمان بشکند و همچنان تعمیر نشده رها شود، به زودی کل ساختمان منهدم می شود، برای پیشگیری از انهدام اجتماع نیز، باید به محض شکسته شدن اولین هنجار، فوراً با هنجارشکن برخورد شود (ویلسون و همکاران، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰).

بر این اساس:

جدول شماره (۱). دلایل ترس از قربانی از نگاه پنجره شکسته.

- ناهمگن بودن محله ها به لحاظ فرهنگی (گونه های کارگری، مشاغل و قومی)؛
- خالی بودن حضور انسان فعال و مشارکت جو؛
- عدم وجود عناصر هویت دهنده در محله ها؛
- وجود بی تفاوتی نسبت به محیط زندگی و نظم اجتماعی آن؛
- عدم وجود حس تعلق و حس مسئولیت اجتماعی ساکنان به خاطر وجود ناامنی و فردگرایی در امنیت؛
- عدم سرزندگی محیط های اجتماعی به خاطر نبود حس تعلق اجتماعی؛
- کاهش و رابط همسایگی، شبکه های اجتماعی غیررسمی؛
- مهاجرپذیری، وجود بی ثباتی سکونتی در محله؛
- کاهش قابلیت های کنترل و نظارت از سوی اجتماعی؛
- بی نظمی فعالیت اجتماعی و عدم ساماندهی مشاغل و فعالیت؛

- آشفته‌گی و اغتشاش سیمای شهری محله‌ها؛
- احساس سردرگمی و بی‌تفاوتی نسبت به محیط سکونت؛
- تجمع آشغال و به‌هم‌ریختگی فضای بیرونی محله؛
- عدم تطابق محیط با ساخت معماری مدرن و سرمایه‌محور.

## مدل نظری پژوهش



شکل شماره (۱). الگوی نظری پژوهش.

## فرضیه پژوهش

-بین عوامل کالبدی-محیطی (بی‌نظمی فیزیکی، بی‌ثباتی سکونتی، کاهش نظارت غیررسمی، ساختار ناهمگون محلی، تجربه قربانی شدن، تعلق مکانی-محیطی و بی‌سازمانی اجتماعی) و ترس از قربانی شدن رابطه معنی‌داری وجود دارد.

## روش پژوهش

پیمایش پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی، از نظر سطح تعمیم، پژوهش پهنانگر و در بازه زمانی مقطعی (۱۴۰۰) اجرا شده و ابزار آن پرسشنامه در قالب طیف لیکرت (نظرسنجی) است. جامعه آماری پژوهش، شامل کلیه افراد واقع

در سنین (۱۵) سال به بالای ساکن شهر اردبیل است که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال (۱۳۹۵)، به تعداد (۴۰۸۳۲۲) نفر هستند. حجم نمونه به وسیله نرم افزار «سمپل پاور»<sup>۱</sup> با ورود تعداد متغیرهای مستقل، برابر با (۲۷۸) نفر تعیین و به روش نمونه گیری خوشه ای تصادفی در بین شهروندان شهر اردبیل (برحسب مناطق چهارگانه) توزیع شده است. حجم جامعه مناطق چهارگانه و حجم نمونه انتخابی به تفکیک در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

جدول شماره (۲). تعداد نمونه های تخصیص یافته به نسبت مناطق شهرداری.

مناطق شهرداری	حجم جامعه	جمعیت کل بالای ۱۵ سال	درصد کل	حجم نمونه	جمع کل
منطقه ۱	مرد	۵۸۶۷۲	۲۸	۴۲	۸۰
	زن	۵۵۲۱۳		۳۸	
منطقه ۲	مرد	۴۸۶۸۱	۲۴	۳۴	۷۰
	زن	۴۹۷۸۴		۳۶	
منطقه ۳	مرد	۵۷۲۳۶	۲۶	۴۱	۷۵
	زن	۴۸۰۹۲		۳۴	
منطقه ۴	مرد	۵۸۸۵۳	۲۲	۴۰	۶۲
	زن	۳۱۷۹۱		۲۲	
جمع کل	مرد	۲۸۰۶۷۸	۱۰۰	۱۵۷	۲۸۷
	زن	۱۲۷۶۴۴		۱۳۰	

منبع. یافته های پژوهش، ۱۴۰۰.

در نهایت نتایج پژوهش از نرم افزار «اسمارت پی ال اس»<sup>۲</sup> و «اس پی اس اس ۲۳»<sup>۳</sup> (فراوانی مطلق، درصد فراوانی) و استنباطی (تی تست)<sup>۴</sup> و «وان وی آنوا»<sup>۵</sup> و ضریب همبستگی I پیرسون) استفاده شده است. نتایج جدول نشان می دهد که سطح روایی و پایایی پژوهش با استفاده از «اسمارت پی ال اس» تأیید شده است.

<sup>۱</sup> sample power.

<sup>۲</sup> Smart-PLS.

<sup>۳</sup> SPSS23.

<sup>۴</sup> t-test.

<sup>۵</sup> One Way Anova.

شخص	AVE	پایایی	پایایی ترکیبی
متغیر وابسته			
ترس از قربانی شدن	۰/۶۳۱	۰/۷۴۱	۰/۷۸۰
متغیرهای مستقل			
بی نظمی فیزیکی	۰/۴۹۱	۰/۷۴۵	۰/۸۳۲
بی ثباتی سکونتی	۰/۴۵۷	۰/۸۴۹	۰/۷۵۴
کاهش نظارت غیررسمی	۰/۴۱۲	۰/۷۸۰	۰/۶۹۰
ساختار ناهمگون محلی	۰/۵۲۸	۰/۷۵۳	۰/۶۴۹
تجربه قربانی شدن	۰/۴۸۳	۰/۵۹۲	۰/۷۲۱
تعلق مکانی-محیطی	۰/۵۵۰	۰/۸۰۲	۰/۷۵۹
بی سازمانی اجتماعی	۰/۴۷۱	۰/۷۹۲	۰/۷۱۴

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰.

## یافته‌های پژوهش

### ۱. توصیفی

یافته‌های توصیفی (جمعیت‌شناختی) در جدول شماره (۴) به اختصار آمده است (جدول شماره ۴).

جدول شماره (۴). اطلاعات زمینه‌ای و جمعیتی.

متغیرهای زمینه‌ای	طبقه	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۵۴,۷
	زن	۴۵,۳
سطح تحصیلات	بی‌سواد	۲۰,۹
	ابتدایی	۲۳,۳
	راهنمایی	۲۰,۶
	دیپلم	۱۷,۱
	لیسانس	۷,۷
وضع تأهل	فوق لیسانس تا دکتری	۱۰,۵
	مجرد	۳۳,۱
	متأهل	۵۸,۲
	مطلقه	۵,۹
	همسر فوت شده	۲,۸

متغیرهای زمینه‌ای	طبقه	درصد فراوانی
وضع اشتغال	کارمند	۲۸,۹۸
	کارگر	۳۰,۴۳
	خانه‌دار	۱۵,۴۹
	شاغلین آزاد	۱۸,۸۴
	سایر	۶,۲۶
سطح درآمدی	زیر دو میلیون تومان	۲۹,۳
	دو تا سه میلیون تومان	۴۴,۹
	سه تا چهار میلیون تومان	۱۵,۷
	بیش از چهار میلیون تومان	۶,۳
نوع مسکن	ملکی	۳۴,۵
	استیجاری/ رهنی	۳۸,۷
	خانه پدری	۲۶,۸

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰.

## ۲. استنباطی

- میانگین ترس از قربانی شدن بر حسب متغیرهای جمعیتی

جدول شماره (۵). آزمون تفاوت میانگین میزان ترس از قربانی شدن به تفکیک جنسیت.

جنسیت	تعداد	میانگین	مقدار t	سطح معناداری
مرد	۱۵۷	۵۸,۵۷	۱,۲۵	۰,۰۰۰
زن	۱۳۰	۵۸,۷		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰.

- میانگین ترس از قربانی شدن در بین مردان (۵۰,۵۷) بیشتر از میانگین بروز این رفتارها در بین زنان (۵۸,۷) است. با توجه به این که سطح معناداری «آزمون تی» (۱,۲۵) برابر با (۰,۰۰۰) است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین زنان و مردان در میزان ترس از قربانی شدن تفاوت معنی‌داری وجود دارد و زنان ترس از قربانی شدن بیشتری نسبت به مردان احساس می‌کنند.



تحصیلات	تعداد	میانگین	آزمون آنالیز واریانس یک طرفه		
			سطح معنی داری	F کمیت	درجه آزادی
بی سواد/ ابتدایی	۶۰	۵۷,۹۸	۰,۷۲	۰,۵۷۳	۲۸۱
راهنمایی	۴۹	۵۸,۰۲			
دیپلم	۵۹	۵۶,۲۸			
فوق دیپلم	۶۷	۵۶,۵۵			
لیسانس	۲۲	۵۸,۷۷			
ارشد و بالاتر	۳۰	۶۰,۵۳			

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰.

با توجه به نزدیکی میانگین ترس از قربانی شدن پاسخگویان نسبت هم و اختلاف اندک آن‌ها، مطابق  $f=0,573$  و  $sig=0,72$  این تفاوت معنی داری نیست.

جدول شماره (۷). آزمون آنالیز واریانس یک طرفه ترس از قربانی شدن به تفکیک شغل.

نوع شغل	تعداد	میانگین	آزمون آنالیز واریانس یک طرفه		
			سطح معنی داری	F کمیت	درجه آزادی
شاغل	۶۹	۵۵,۳۴	۰,۰۰۱	۷,۳۷۶	۲۸۴
بیکار	۱۱۱	۶۱,۲۵			
محصل/دانشجو	۱۰۷	۵۵,۶			

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰.

نتایج نشان می‌دهد که افراد بیکار میانگین ترس از قربانی شدن بیشتری را نسبت به سایر گروه‌های بررسی شده دارند.

جدول شماره (۸). آزمون آنالیز واریانس یک طرفه ترس از قربانی شدن به تفکیک نوع فعالیت.

نوع شغل	تعداد	میانگین	آزمون آنالیز واریانس یک طرفه		
			سطح معنی داری	F کمیت	درجه آزادی
کارمند	۲۰	۴۰,۵۵	۰,۰۰۰	۷,۴۹۱	۶۴
کارگر	۲۱	۴۵,۸۵			
خانه‌دار	۱۱	۴۳,۱۸			
آزاد	۱۳	۴۱,۲۳			
سایر	۴	۳۹,۷۵			

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۱.

نتایج نشان می‌دهد که میانگین میزان ترس از قربانی شدن به تفکیک نوع شغل در بین اقشار کارگر نسبت به باقی بیشتر است، دلیل آن سکونت اقشار کارگر در مناطق حاشیه‌نشین، دارای بافت جمعیتی ناهمگون (سرمایه‌اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی متفاوت) است.

جدول شماره (۹). آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه میزان ترس از قربانی شدن به تفکیک وضع تاهل.

وضع تاهل	تعداد	میانگین	آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه		
			درجه آزادی	کمیت F	سطح معنی‌داری
مجرد	۹۵	۵۴,۵۳	۲۸۳	۶,۴۸۳	۰,۰۰۰
متاهل	۱۶۷	۶۰,۰۵			
مطلقه	۱۷	۵۸,۰۵			
همسر فوت شده	۸	۴۶,۲۵			

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰.

میانگین ترس از قربانی شدن افراد متاهل نسبت به گروه‌های دیگر، بیشتر است.

جدول شماره (۱۰). آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه ترس از قربانی شدن به تفکیک نوع مسکن.

نوع مسکن	تعداد	میانگین	آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه		
			درجه آزادی	کمیت F	سطح معنی‌داری
ملکی	۹۹	۵۲,۱۵	۲۸۴	۰,۵۱۵	۰,۰۰۳
استیجاری/رهن	۱۱۱	۵۶,۷۹			
خانه پدری	۷۷	۵۱,۵۳			

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰.

نتایج نشان می‌دهد که میانگین میزان ترس از قربانی شدن در بین افرادی که استیجاری-رهن هستند، نسبت به سایرین بیشتر بوده است.

جدول شماره (۱۱). آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه ترس از قربانی شدن به تفکیک طبقه.

طبقه	تعداد	میانگین	آزمون آنالیز واریانس یک‌طرفه		
			درجه آزادی	کمیت F	سطح معنی‌داری
بالا	۶۵	۵۱,۱۲	۲۸۴	۱۱,۳۴۵	۰,۰۰۴
متوسط	۷۸	۵۴,۹۸			
پایین	۱۴۴	۵۹,۶۲			

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰.

◊ نتایج نشان می‌دهد که میانگین ترس از قربانی شدن در بین طبقات پایین جامعه (۵۹) درصد و طبقه متوسط (۵۴) درصد بیشتر از طبقات بالای جامعه (۵۱) درصد است.

### آزمون پیرسون (ضریب همبستگی)

جدول شماره (۱۲). ضریب همبستگی پژوهش.

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
بی‌نظمی فیزیکی	۰,۳۴۵	۰,۰۰۰
بی‌ثباتی سکونتی	۰,۴۳۱	۰,۰۰۰
کاهش نظارت غیررسمی	۰,۳۷۱	۰,۰۰۰
ساختار ناهمگون محلی	۰,۲۶۱	۰,۰۰۰
تجربه قربانی شدن	۰,۱۲۳	۰,۰۰۰
تعلق مکانی-محیطی	-۰,۴۰۸	۰,۰۰۰
بی‌سازمانی اجتماعی	۰,۲۷۸	۰,۰۰۰

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰.

نتایج نشان می‌دهد که:

-بین بی‌نظمی فیزیکی و ترس از قربانی شدن رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی آن برابر با (۰,۳۴۵) است. هرچه بی‌نظمی فیزیکی در سطح محلات و شهر افزایش یابد، این وضعیت منجر به ترس از قربانی شدن بیشتر شهروندان خواهد شد.

-بین بی‌ثباتی سکونتی و ترس از قربانی شدن رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی آن برابر با (۰,۴۳۱) است. هرچه میزان بی‌ثباتی سکونتی ساکنان و شدت جابجایی بیشتر شود، به دلیل کاهش شناخت اجتماعی و میزان همدلی، جرم افزایش و به همان میزان ترس از قربانی شدن نیز بالا می‌رود.

-بین کاهش نظارت غیررسمی و ترس از قربانی شدن رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی آن برابر با (۰,۳۷۱) است. هرچه شدن نظارت غیررسمی (همسایگی، خانوادگی، محلی و محیطی) کاهش یابد،

بی تفاوت محیطی شدت گرفته و شهروندان در تهدید فرار گرفته و ترس از قربانی شدن نیز افزایش می‌یابد.

- بین ساختار ناهمگون محلی و ترس از قربانی شدن رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی آن برابر با (۰,۲۶۱) است. محلات، برج‌ها و مناطق مسکونی که دارای ساکنانی ناهمگون، ناشناخته و متضاد از حیث سرمایه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هستند، میزان ترس از قربانی شدن نیز افزایش می‌یابد.

- بین تجربه قربانی شدن و ترس از قربانی شدن رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی آن برابر با (۰,۱۲۳) است. شهروندانی که تجربه قربانی شدن به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم دارند، احتمال ترس از قربانی شدن در آن‌ها بشدت بالاتر است.

- بین تعلق مکانی-محیطی و ترس از قربانی شدن رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی آن برابر با (۰,۴۰۸-) است. هرچه شدت تعلق مکانی-محیطی کاهش یابد، به همان میزان افراد ترس بیشتری را تجربه و همیشه احساس قربانی شدن می‌کنند.

- بین بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از قربانی شدن رابطه معنی‌داری وجود دارد و مقدار ضریب همبستگی آن برابر با (۰,۲۷۸) است. هرچه محله و محیط زندگی، بی‌سازمان و اختلالی و بی‌نظم باشد، به همان میزان ترس از قربانی شدن نیز بیشتر خواهد شد.

#### رگرسیون چندگانه

جدول شماره (۱۳). رگرسیون چندگانه پژوهش.

متغیر مستقل	ضریب بتا	مقدار تی	مقدار f	سطح معنی‌داری
بی‌نظمی فیزیکی	۰,۲۱۴	۳,۰۸۸	۱۱,۳۸۱	۰,۰۰۲
بی‌ثباتی سکونتی	۰,۱۱۹	۷,۱۳۲	۱۸,۲۰۱	۰,۰۰۰
کاهش نظارت غیررسمی	۰,۲۷۶	۵,۶۴۱	۴۴,۵۱۲	۰,۰۰۴
ساختار ناهمگون محلی	۰,۳۰۲	۳,۸۲۶	۱۵,۱۲۳	۰,۰۰۱

متغیر مستقل	ضریب بتا	مقدار تی	مقدار f	سطح معنی داری
تجربه قربانی شدن	۰,۱۵۸	۴,۱۰۲	۸,۹۸۱	۰,۰۰۰
تعلق مکانی-محیطی	-۰,۳۴۶	-۱۰,۱۳۱	۲۷,۳۳۷	۰,۰۰۳
بی‌سازمانی اجتماعی	۰,۱۰۳	۳,۰۷۲	۵۱,۱۶۲	۰,۰۰۰
<b>خلاصه مدل رگرسیونی پژوهش</b>				
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	
۰,۲۵۱	۰,۲۴۷	۰,۳۸۹	۰,۰۰۳	

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰.

نتایج جدول نشان می‌دهد که بین بی‌نظمی فیزیکی (۰,۲۱۴)، بی‌ثباتی سکونتی (۰,۱۱۹)، کاهش نظارت غیررسمی (۰,۲۷۶)، ساختار ناهمگون محلی (۰,۳۰۲)، تجربه قربانی شدن (۰,۱۵۸)، تعلق مکانی-محیطی (-۰,۳۴۶) و بی‌سازمانی اجتماعی (۰,۱۰۳) با ترس از قربانی شدن رابطه معنی داری وجود دارد. مجموع متغیرهای فوق توانسته‌اند، (۰,۲۴) صدم از تغییر ترس از قربانی شدن را تبیین و پیش‌بینی کند.

### نتیجه‌گیری

ترس از قربانی شدن، پدیده اجتماعی-فرهنگی است که از شرایط محیطی (ساختار بد محیطی، فضای غیرقابل دفاع شهری) برمی‌خیزد. اردبیل به‌عنوان شهری که با حاشیه‌نشینی فزاینده و بزهکاری اجتماعی از جمله سرقت، نزاع جمعی-خیابانی، مصرف مشروبات الکلی و جرائم اجتماعی مواجه شده و همین امر زمینه‌های کاهش احساس امنیت اجتماعی و افزایش ترس از قربانی شدن را فراهم کرده است، ترس از قربانی شدن، به معنای احساس نگرانی و دلهره و بیم از قربانی شدن توسط مجرمان، خلاف‌کاران، سارقان، اراذل و اوباش و سایر گروه‌هایی است که به لحاظ جانی، روانی، مالی و اخلاقی شهروندان را تهدید می‌کنند. به‌این ترتیب هدف اصلی پژوهش مطالعه ارتباط بین ساختار کالبدی-محیطی با ترس از قربانی شدن با تکیه بر نظریه پنجره شکسته است. نتایج نشان

داد که بین عوامل کالبدی-محیطی و ترس از قربانی شدن رابطه معنی داری وجود دارد:

- با افزایش بی‌نظمی فیزیکی؛ میزان ترس از قربانی شدن در شهروندان بیشتر می‌شود. مقدار ضریب بتای آن برابر با (۰,۲۱۴) است.
  - هرچه میزان بی‌ثباتی سکونتی در محله و مناطق شهری بیشتر و طول اقامت کمتر باشد؛ به همان میزان ترس از قربانی شدن افزایش خواهد یافت. مقدار ضریب بتای آن برابر با (۰,۱۱۹) است.
  - هرچه شدت نظارت غیررسمی کاهش یابد؛ به دلیل بی‌تفاوتی جمعی و عدم کنترل اجتماعی بر محیط؛ شدت ترس از قربانی شدن افزایش می‌یابد. مقدار ضریب بتای آن برابر با (۰,۲۷۶) است.
  - هرچه ساختار محله از حیث طبقاتی، فرهنگی و گروه‌های اجتماعی ناهمگون باشد، به همان میزان شدت ترس از قربانی شدن افزایش می‌یابد. مقدار ضریب بتای آن برابر با (۰,۳۰۲) است.
  - هرچه شدت تجربه قربانی شدن بیشتر باشد، به دلیل تجارب ذهنی و تلخ گذشته، ترس از قربانی شدن نیز افزایش می‌یابد. مقدار ضریب بتای آن برابر با (۰,۱۵۸) است.
  - با افزایش تعلق مکانی-محیطی، به دلیلی پیوستگی و هویت مکانی و شناخت عمیق از هم‌دیگر، شدت ترس از قربانی شدن کاهش می‌یابد. مقدار ضریب بتای آن برابر با (۰,۳۴۶-) است.
  - هرچه شدت بی‌سازمانی اجتماعی از جمله محله‌های مخروبه، فضای کم‌نور، دوره‌گردها، تجمیع آشغال‌ها و مناطق فرسوده و رها شده بیشتر باشد، به همان شدت ترس از قربانی شدن نیز افزایش می‌یابد. مقدار ضریب بتای آن برابر با (۰,۱۰۳) است.
- با توجه به نتایج پژوهش با تکیه بر نظریه پنجره شکسته می‌توان گفت که ترس از قربانی شدن و ریشه ناامنی در مناطق جرم‌خیز شهر اردبیل، در عامل

کالبدی- محیطی از جمله فقدان فضای فعالیت و اشتغال، نبود اماکن فرهنگی، فقدان فضای تفریحی و رفاهی مناسب، چیدمان نامناسب فضای منطقه، اندازه و وسعت محله، باریکی و پیچ‌وخمی زیاد معابر، شرایط فیزیکی محله، عدم برخورداری از امکانات ورزشی-رفاهی؛ نبود قوانین و عدم برخورد شفاف و قاطع با مجرمان، حضور بی‌موقع گشت انتظامی، نبود کانکس پلیس در محله و منطقه جرم‌خیز، عدم تعقیب قضایی و عدم پیگیری جدی گزارش‌های مردمی؛ تجمع خرده‌فرهنگ قومی، فقدان تعامل مناسب بین همسایه، وجود مشاغل کاذب در معابر و محله‌ها و تراکم ناهمگون و زیاد جمعیت و همچنین عدم احساس تعلق مکانی به دلیل منطقه گذار و مهاجرپذیر بودن و درنهایت بی‌سازمانی اجتماعی نهفته است؛ و این نتایج با یافته‌های پیشینه پژوهش از جمله مالمر (۱۳۹۲)، ملکی و همکاران (۱۳۹۵)، کاویانی‌پور و قهرمانی (۱۳۹۵)، عینی‌فر و همکاران (۱۴۰۰)، براری و همکاران (۱۴۰۰)، پوپل و سیدزاده (۱۴۰۰)، مرادی و همکاران (۱۳۹۸)، صرافی و همکاران (۱۳۹۸)، کروی (۱۳۹۸) و مرادی و جم‌نژاد (۱۳۹۶) همسو بوده و آن‌ها را تأیید می‌کند.

بر این اساس؛ شهر اردبیل، کاملاً بافتی خرده‌فرهنگی و طایفه‌ای دارد. این شهر، مرکز جذب مهاجران فصلی، کارگر و سایر افرادی است که در شهرستان‌های اطراف برای دستیابی به اهداف خود در این شهر، جمع می‌شوند. اگرچه آمار دقیقی درباره تعداد طوایف ساکن در این شهر، اطلاعات مستند و دقیقی وجود ندارد، اما شواهد، تجربه زیسته و گفت‌ووشنودها، حاکی از این است که زندگی به سیاق خرده‌فرهنگ طایفه‌ای رواج بیشتری دارد. اگرچه نمی‌توان تنوع طایفه‌ای را دلیل اصلی ترس از قربانی شدن و شیوع ناامنی دانست، اما نتایج نشان از این دارد که اجتماعات ناهمگون فرهنگی و نژادی، به‌مرور پیوندهای اجتماعی خود را از دست می‌دهند، به‌ویژه که دچار تغییرات ساختاری از جمله مهاجر فرستی و مهاجرپذیری شوند. به این خاطر، احتمال شیوع جرائم و ناامنی نیز زیادتر می‌شود. یکی از علت‌های اصلی آن از بین رفتن نظارت غیررسمی، ناشناختگی، ناپایداری هنجارها و نبود تعلق عاطفی نسبت به همسایه و ساکنان بوده و سرقت، قتل، نزاع و درگیری، خرید و فروش

مشروبات الکلی، چاقو کشی، تهدید و غیره باعث ایجاد احساس ناامنی جمعی و افزایش ترس از قربانی شدن است. اردبیل شهری است که ساختار اجتماعی دارای بافتی ناهمگون و غیرمنسجم به دلیل داشتن سبک زندگی دوگانه نظام عشایری-شهری یا چندگانه، خرده فرهنگی های تیره و طوایف مختلف از یک طرف، دوران گذار از سنت به مدرنیته شهر از طرف دیگر، باعث بی سازمانی اجتماعی شهر شده است. به این خاطر نوع جرائم و محله های مناطق چهارگانه شهری، نشان می دهد که تا حدی نظام همسایگی و نظارت های محله محور یا اجتماع محور، به مانند سابق، کارایی جمعی در انسجام و پیوند گروهی ندارد و نوعی از پنجره شکسته در محلات شهری ظهور کرده است. طبق این نظریه، وجود فضای متروکه و بدون نظارت (بعد فیزیکی) و در بی نظمی اجتماعی (فراخوانی و لگردان، معتادان، پناهگاه سارقان، مهاجران غیرقانونی و تبعیدی، افراد طرد شده از خانواده و اجتماع) به ظهور ترس از قربانی شدن منجر می شود. وقتی در اجتماع، چنین فضاهایی دیده شود و نهادهای کنترل گر، نیز چندان توجهی به آنها نداشته باشند، این فضا پیمایی با این محتوا به گروه های غیرقانونی می فرستد که نظارت اجتماعی در این منطقه نیست و فرصت ارتکاب جرم به دلیل عدم پیگیری قضایی و انتظامی و امکان فرار از مسئولیت زیاد است. بر این اساس، نوعی گردهمایی برای ولگردان و معتادانی می شود و به مرور منجر به فرار ساکنان محترم و آبرومند شده و در این حالت افراد ثروتمند آن منطقه ترک گفته و افرادی که دارای پایگاه اقتصادی ضعیف تری هستند، در آن محل می مانند. به این خاطر، منطقه رفته رفته، اجتماعاتی از خرده فرهنگی های متشکل از معتادان، ولگردان، بی سرپرستان، مهاجران، کارگران غیرقانونی و قاچاقیان و فروشندگان مواد مخدر می شود که ترس از قربانی شدن را در بین ساکنان و محیط اطراف ایجاد می کند. نظریه پنجره شکسته، ساختارهای فیزیکی شهر اردبیل یا مسئله کالبدی و فضایی را در ترس از قربانی شدن مهم تلقی می کند. این فضاها به کسی تعلق نداشته و کسی از آنها حفاظت و مراقبت نمی کند. به خاطر بی دفاع بودن این مناطق، میزان جرائم، ناامنی و ترس از قربانی شدن نیز در این



مناطق بیشتر می‌شود. از این منظر، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین منابع بازدارنده جرائم و آسیب‌ها، تعاملات اجتماعی میان اعضای جامعه است. از کارکردهای اصلی محیط‌های شهری ایجاد و حفظ حس امنیت در میان شهروندان است. امنیتی که قاعده‌تاً با کمک تعاملات اجتماعی افزایش می‌یابد؛ یعنی ترس از قربانی شدن حاصل فقدان ارتباط بین جامعه و فضا است. توسعه محله، گسترش فعالیت نهادهای محلی همچون گروه‌های ورزشی، فرهنگی و مذهبی و حفظ حیات شبانه به وسیله ایجاد کاربری‌های فعال در شب برای خانواده‌ها مثل رستوران‌ها و مراکز فرهنگی، برگزاری آیین‌ها و جشنواره‌ها در شب و ایجاد کاربری‌های مختلط مهم‌ترین راهبردهای احیا و بهسازی فضاهای بی‌دفاع شهری هستند؛ که وجود نظارت طبیعی، خودجوش، محله‌های دارای دید جامعه، ارتباط نهادهای محلی و رفت‌وآمد ساکنان، وجود پارک‌های پیوندمحور، نوعی سازوکار دفاعی از محله و محیط در برابر ناامنی ایجاد می‌کند و محیط را برای حضور سارقان، افراد سودجو، ضد اخلاق، دزد، معتادان و خرده‌فرهنگ‌ها، تنگ‌تر می‌کند و اجازه حضور و فعالیت را برای آن‌ها نمی‌دهد، اما هرچه محیط اجتماعی، از این خصیصه‌ها کمتر بهره‌مند شود، به همان اندازه، منطقه شاهد میدان بازی و فعالیت کنشگران بی‌قانون و هنجارشکنی خواهد بود که هر لحظه، ساکنان محله و منطقه را دچار ناامنی، اضطراب و آشفتگی خواهند کرد. یکی از علت ممکن ترس از قربانی شدن از بین رفتن نظام همسایگی، فضای محله‌محوری و شناخت اجتماعی کم ساکنان است. با از بین رفتن، حس همدردی و بی‌توجهی جمعی و شیوع غفلت‌های جمعی، محله‌های شهری، محل ورود و خروج غریبه‌ها و طیف ناشناخته‌هایی می‌شود که به راحتی به اهداف دست می‌یابند. نبود نظارت‌های اجتماعی یا محله‌های دارای چشم طبیعی، عدم دخالت در امور همسایگی، باعث شده است که سرقت به راحتی از منازل صورت بگیرد، رفت‌وآمد افراد غریبه، مسئله مهمی تلقی نشود. همه این عوامل، بستر قربانی شدن و تهدید ساکنان محله‌های شهری را افزایش می‌دهد و منجر به ترس از قربانی شدن و تشدید میزان احساس ناامنی در آن‌ها می‌شود. درباره شهر اردبیل می‌توان گفت که مهاجرت‌های مختلف به

شهر و سکونت آن در حواشی ساکنان شهری، باعث بازگشت مجدد رفتارهای خشن از حاشیه شهر به مرکز یا بطن زندگی شهری می‌شود. شکاف در سبک زندگی و افزودن شدن بر فقر و رانده شدن به حاشیه‌های شهری باعث ناامن شدن، محله‌های امن شهری می‌شود. به‌نوعی رفتارهای خشن و جرائم اجتماعی، تنها در حاشیه‌های شهر، به بقا خود ادامه نمی‌دهند، بلکه این‌گونه رفتارها، به‌مرور از طریق خرده‌فرهنگ‌های پرسه‌زن، ساکنان اجتماع محیط‌های امن را نیز دچار ترس و ناامنی می‌کنند. حاشیه‌نشینی ازجمله معضلاتی که سطح امنیت اجتماعی را در شهر اردبیل دچار خدشه کرده و نیازمند ساماندهی کالبدی است. مناطق حاشیه‌نشین اردبیل به‌صورت قارچی رو به رشد بوده و از طریق تصرف غیرمجاز زمین و ساخت‌وساز غیرقانونی بر معضلات اجتماعی افزوده‌اند. اکثر ساکنان آن، گروه‌هایی با درآمد پایین، مهاجران شهرستانی و برون‌استانی، کارگران فصلی و مطرودان جامعه هستند. به این معنی اکثراً فراری‌ها، قاچاقچیان، اراذل و اوباش شهری بوده که تنها سرپناه و مأمن خود را مناطق حاشیه می‌دانند، زندگی اکثر این‌ها زیر یک سقف به‌صورت مجردی است. بر این اساس با گسترش حاشیه‌نشینی و افزودن شدن بر جمعیت حاشیه شهری استان که نشان از افزایش بیکاری در شهر و شکاف اجتماعی بین فقر و غنی است، نه‌تنها شاهد مدیریت مناسب جرائم نخواهیم بود، بلکه جرائم اجتماعی ازجمله شیوع فرهنگ درگیری و نزاع از سطح فردی حاشیه‌نشین و فرهنگی شدن آن در نقاط شهری به‌صورت طایفه‌ای و جمعی خواهیم بود. با اضافه شدن جمعیت حاشیه‌نشین به جمعیت مناطق متوسط و مرفه شهری، با زوال نظارت و نزاکت اجتماعی مواجه شده، در این حالت، انتظار هر نوعی واقعه‌ای ازجمله تعرض جنسی، قتل و نزاع نیز قابل پیش‌بینی است.

ساختار فرهنگی-اجتماعی محله‌های جرم‌خیز شهر اردبیل، در چهار منطقه نشان می‌دهد که به منطقه یک بیشتر با بافت خرده‌فرهنگ محور، گروه‌های ناسازگار و متنوعی تشکیل شده است که ضمن کاستن از پیوندهای جمعی به دلیل فقدان ذائقه مشترک، باعث بی‌نظمی اجتماعی و احساس ناامنی در منطقه شده است. منطقه دو، با مسئله مهاجرت‌پذیری و مهاجر فرستی به

۵۵

تجبری با بی‌تبانی سکونتی مواجهه است. این یکی از علت‌های اصلی بالا رفتن جرم و ترس از قربانی شدن در آن محیط است که بسترهای گمنامی، ناشناختگی و بی‌توجهی جمعی را دامن زده و به جرم‌خیزی محله کمک می‌کند. در منطقه سه شهری، به دلیل نزدیکی به منطقه حاشیه‌نشینی، تجمعی از گروه‌های مختلف با ساختار ناهمگن طبقاتی در آن مشاهده می‌شود و این مسئله در کنار نبود معماری دقیق محله، معابر فاقد روشنایی و وجود فضای بی‌دفاع شهری، باعث افزایش جرائم خشن و بالا رفتن ترس از قربانی شدن در بین ساکنان شده است. همچنین منطقه چهارم، نیز با تضاد طبقاتی و ناهمگنی اقتصادی و اجتماعی مواجهه است که زمینه‌های ناامنی و بی‌نظمی اجتماعی را تشدید می‌کند.

به این خاطر مسئله ترس از قربانی شدن، در شهر اردبیل به یکی از عمده‌ترین مسئله‌های اجتماعی شهروندان درآمده است. وقوع حوادث جنایی و بازنمایی آن در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در دو سال اخیر، به‌ویژه کودک‌ربایی، قتل، سرقت، مسائل ناموسی در شهرستان‌های استان و خود شهر اردبیل، موجی از نگرانی‌ها و احساس ناامنی را ایجاد کرده است. این امر در طی سال‌های اخیر به دلیل افزایش مهاجرت‌های درون استانی به مرکز شهر، انباشته شدن از مهاجران ناهمگون به دلایل خشک‌سالی، کاهش درآمدهای فصلی کشاورزی و اعمال سختگیرانه‌های دولتی در چرای بیش‌ازحد دام از طرف دامداران و تعیین معیار تعداد دام متناسب با ظرفیت چرا و سایر مسائل اقتصادی، منجر به ترک این مشاغل و یکجانشینی شده است. این روند، نه تنها منجر به سکونت دامداران، کشاورزان و سایر مشاغل سنتی در محل خود نشده است، بلکه آن‌ها را به سمت فعالیت‌های پردرآمد شهری و بازاری سوق داده است. همین مسائل بستری را مهیا کرده تا شهر انباشته از گروه‌های اجتماعی با خاستگاه اجتماعی نسبت متفاوتی شده که منجر به افزایش جرم و رفتارهای خشن در شهر شده است. محله‌های شهر، انباشته از مهاجرانی با طبقات اجتماعی کاملاً ناهمگون، دارای سنخ طایفه و ایلی که چندان سازگاری با قوانین و آداب‌ورسوم شهری ندارند، از دیدگاه «پیربردیو»، چنین روندی، منجر

به یک نوع مشکل حاد می‌شود، آن این است که نوعی تضاد فرهنگی و عدم سازگاری فرد با محیط اجتماعی رؤیت می‌شود و تداوم آن، ضمن انباشته شدن سایر ناکامی‌ها و تضاد در زیست‌فرهنگی، به‌مرور باعث رفتارهای تخریب‌گرانه می‌شود. آن‌چنان در چنین شهر مهاجرپذیر و با خاستگاه طایفه محور، بسیار مهم جلوه می‌گیرد، مسئله انطباق اجتماعی است که در انطباق خرده‌فرهنگ‌ها، افکار، ارزش‌ها و شیوه‌های سنتی با یکدیگر و با نظام شهری نوین دارد. خرده‌فرهنگ‌ها، در روند نقل و انتقالات، موجودیت و اصالت خود را از دست می‌دهند و درون ساخت جدید به‌خوبی استحاله نمی‌شوند. این امر بسترهای خشونت، ناامنی و قربانی‌کردن دیگران را در پاسخ ناسازگاری اجتماعی را فراهم می‌کند. اردبیل، در اصل به دلایل قرارگرفتن در مرحله توسعه، در شرایط گذار و تغییرات بیرونی سریع، تعادل اجتماعی‌اش به‌هم‌خورده، به این خاطر نمی‌توان انتظار، انطباق اجتماعی کامل را داشت. نامناسب بودن روند تقسیم‌کار، نابسامانی تعادل اجتماعی و شرایط گذار شهری به سمت مدرنیته، زمینه‌های بروز همچنین مسئله اجتماعی را دامن زده است. به دلیل عدم پیوند میان افراد در اثر مهاجرت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی متفاوت، کنترل اخلاقی و نظارت غیررسمی کاهش یافته و نابهنجاری‌های اجتماعی افزایش می‌یابد و باعث افزایش ترس از قربانی‌شدن می‌شود.

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳). مکتب‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: نشر علم.
- اسدی، علی؛ صالحی، سعید؛ سجاده‌زاده، حسن (۱۴۰۰). تبیین نقش کیفیت محیطی بر ثبات سکونتی و تمایل به جابجایی ساکنین در مجتمع‌های مسکونی. فصلنامه معماری شهر، ۹ (۲)، صص ۷۹-۹۵.
- پروین، ستار؛ بهزاد، خدری؛ کاظمی، قباد (۱۳۹۷). درک و تفسیر چگونگی فرآیند قربانی شدن از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۱۸ (۴۶)، صص ۲۲۱-۲۴۶.
- پوپل، محمود؛ سیدزاده، سیدمهدی (۱۴۰۰). بررسی میزان و عوامل ترس از قربانی شدن در شهر کابل. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۱۶ (۲۶)، صص ۲۷۱-۲۹۶.
- حبیبی، داود؛ کسالایی، افسانه؛ افتخاری، سیدجمشید (۱۳۹۷). کنکاشی پیرامون مؤلفه‌های اثرگذار در ایجاد حس تعلق به مکان در فضای شهری (با تأکید بر مؤلفه‌های کالبدی-محیطی). پژوهش‌های مکانی-فضایی، ۲ (۳)، صص ۶۸-۸۰.
- دادخدایی، لیلیا (۱۳۸۸). تعمیر پنجره شکسته: دستاورد جنبش بازگشت به کیفر در آمریکا. مجله قضاوت، (۵۹)، صص ۴۷-۵۰.
- دیلینی، گروه (۱۳۹۱). نظریه کلاسیک جامعه‌شناسی؛ ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی. تهران: نشر نی.
- ساوج، مایک؛ آلن وود (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی شهری؛ ترجمه ابوالقاسم پوررضا. تهران: سمت.
- سلرز، کریستین؛ آکرز، رونالد (۱۳۹۰). نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، بی‌هنجاری و فشار؛ ترجمه بهروز جوانمرد. مجله تعالی حقوق، شماره (۱۲).
- سلیمی، علی؛ داوری، محمد (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی کج‌روی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صولتی‌فر، فرهاد؛ جعفری، محمدحسین (۱۳۹۵). نظریه پنجره شکسته. دومین کنفرانس ملی علوم انسانی، مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران.
- عباسی اسفنجیر، علی‌اصغر؛ رحمانی فیروزجاه، علی (۱۳۸۹). محله‌ها و روابط همسایگی، مکانیسمی ساختاری در ایجاد جرم. مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۳ (۱۲)، صص ۹۱-۱۱۲.
- عینی‌فر، علیرضا؛ جلیلی، محمد؛ جاد، بروس؛ مدنی، رامین (۱۴۰۰). تأثیر محدوده کالبدی مجموعه‌های مسکونی بر ترس از قربانی شدن ساکنان (مطالعه موردی: مقایسه مجموعه‌های

ایران، ۲۲ (۱۴)، ص ۱۹۳-۲۰۶.

- فرخجسته، وحیده‌السادات؛ عبدالهی، راشن (۱۳۹۹). بررسی رابطه حمایت اجتماعی ادراک شده و سبک‌های دل‌بستگی با ترس از قربانی شدن در جامعه زنان معتاد بزهکار شهر تهران. فصلنامه انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده، ۸ (۱) صص ۷۳-۹۰.
- فیشر، بونی. اس؛ پی. لب، استیون (۱۳۹۵). دانشنامه بزه دیده شناسی و پیشگیری از جرم؛ ترجمه اساتید حقوق کیفری و جرم‌شناسی، زیر نظر نجفی ابرندآبادی. تهران: نشر میزان.
- کاویانی، ایرج؛ پورقهرمانی بابک (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر ترس از جرم در مناطق حاشیه‌ای جنوب شهر تبریز. انتظام اجتماعی، ۸ (۴) صص ۳۲-۷۰.
- کروب، مهدی (۱۳۹۸). ارتباط بین ترس از جرم و بی‌نظمی محلی با وفاداری گردشگران خارجی به مقصد (گرایش به اقامت مجدد) در بافت تاریخی شهر شیراز. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱ (۷)، صص ۳۲۳-۳۵۳.
- مالمیر، مهدی (۱۳۸۸). مروری بر نظریه‌های جرم‌شناختی و جامعه‌شناختی پیشگیری از جرم بر اساس تقسیم‌بندی ون ویک و دوارد. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره (۱۱)، صص ۳۱-۴۳.
- مالمیر، مهدی (۱۳۹۲). ترس از جرم و قبض فضای عمومی. پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، ۲ (۳)، صص ۱۴۳-۱۶۳.
- مرادی، رامین؛ احمدی، سیروس؛ جم‌نژاد، سیمین (۱۳۹۸). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و فرهنگی با ترس از قربانی شدن بین سالمندان شهر شیراز. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱ (۲۴)، صص ۱۹-۳۶.
- ملکی، امیر؛ رستگار نسب، فرهاد؛ عبدالملکی، جعفر؛ خلفخانی، مهدی (۱۳۹۰). زندگی شهری، ترس از قربانی شدن و کاهش سرمایه اجتماعی در کلان‌شهر تهران. فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۲ (۱)، صص ۱۰۰-۱۲۰.
- ویلسون، جیمز. کیو و کلینگ، جورج. آل (۱۳۸۲). پنجره شکسته: پلیس و امنیت محلی؛ ترجمه محمد صادری توحید خانه، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره (۴۳).
- Aydin, Kemal (2006) "Social Stratification and Consumption Patterns in Turkey", Social Indicators Research, 75, 463-501.
- Brookman, Fiona (2005), Understanding Homicide, SAGE Publications Ltd 1 Oliver's Yard 55 City Road London EC1Y 1SP.

- Brown B. B. Perkins D. D. Brown G (2003), Place attachment in a revitalizing neighborhood: Individual and block levels of analysis. *Journal of Environmental Psychology*, 23, 259-271.
- Bursik, R. J. Jr. & Grasmick, H. J (1993), *Neighborhoods and crime: The dimensions of effective community control*. San Fransisco: Lexington.
  - Lane, Jodi & Kathleen A. Fox(2011), Fear of Crime among Gang and Non-Gang Offenders: Comparing the Effects of Perpetration, Victimization, and Neighborhood Factors *Justice Quarterly* Volume 29, 2012 - Issue 4., <http://dx.doi.org/10.1080/07418825.2011.574642>
  - Mueller – Vollmer, Kurt, 1985, “Language, Mind and Artifact: An Outline of Hermeneutic Theory since the Enlightenment”. In K. Mueller – Vollmer (ed.), *The Hermeneutic Reader*. New York: Continuum: 1-53.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی